

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوم، شماره‌ی هفتم، 1390، صص 59-92

بازخوانی نیت‌مند اسناد در پژوهش‌های تاریخی پیشنهاد مدلی دومتغیره برای بازتفسیر رخدادهای تاریخ معاصر ایران

محسن خلیلی*

چکیده

سند به‌مثابه ماده‌ی خام در گزارش‌های رویدادهای تاریخی حضور دارد. گاهی فقط برای معطوف‌کردن متن به چشم‌نوازشدن استنادهای پی‌درپی از اسناد بهره می‌گیریم و گاهی که خود را به نگره‌ای پیشینی مجهز ساخته‌ایم، از اسناد بهره می‌بریم. اگر سند را ماده‌ی خام چندمنظوره بدانیم، کارویژه‌ی آن عبارت خواهد بود از: عامل میانجی‌جهش کیفی از کتابت و صف‌گونه به تبیین رویدادهای تاریخی. بایسته است در بررسی رویدادها، با تکیه بر وصف و شرح، به بیان دالی و تفهّم رویداد دست یازیم؛ این امر به کاربرست شیوه‌های نوین پژوهش منوط است. در تفهّم رویدادهای تاریخی، اسناد، خودبه‌خود سخن نمی‌گویند، بلکه مؤلفه‌های پژوهشی کمک‌دهنده اسناد را به برون‌افکندن درون‌مایه‌های خود وادار می‌کنند. در روایت‌های وصف/شرح‌گونه از رخدادهای تاریخی، اسناد ارزشی یکسان دارند؛ ولی در بیان‌های نگره‌مندانه‌ی تاریخی، از ارزش برخی سندها کاسته، و بر اهمیت برخی دیگر افزوده می‌شود. نگارنده می‌کوشد با تکیه بر برخی از اسناد دوران قاجار، الگویی را در پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر اسناد پیشنهاد دهد که به نظر می‌رسد ما را به حیظه‌ی درون‌نگری تاریخ تحولات ایران معاصر رهنمون خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: پژوهش تاریخی، اسناد، الگوی تحلیل اسناد، تاریخ معاصر ایران.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (khalilim@um.ac.ir).

تاریخ دریافت: 90/3/18 - تاریخ تأیید: 90/10/13

مقدمه

تاریخ، چیزی جز گردآوری مدارک نیست.¹

لانگلو

اسناد تاریخی، کوزه‌های گویا و خموش تاریخ‌اند. با خود سخن‌ها دارند؛ می‌ماند «کسی» که آنها را به سخن وادارد و «روشی» که به سخن در می‌آورد. تاریخ‌پژوهی، افزون بر گردآوری سندها و مدرک‌های تاریخی، شیوه‌ی بازیافت داده‌ها و ارتقاء آنها به یافته‌ها است که در این میانه، مورخ نقشی بسیار دارد. «توین‌بی» زمانی به‌درستی چنین نوشته بود: «من سخت دلوایس مورخانی هستم که خیال می‌کنند مدارک به‌دست‌آمده از پرونده‌های دوایر دولتی، به‌سان لایه‌های زمین‌شناسی گواه عینی است.»² پس، پژوهش تاریخی، افزون بر گردآوری اسناد، نمایان‌ساختن صحت و سقم آنهاست که با کاربست شیوه‌های گوناگون به‌دست می‌آید. تا چه حاصل شود؟ «هیل» کتابش، آموزش تاریخ را با جمله‌ی ساده، نغز و معنی‌دار دوران کودکی آغاز می‌کند که از پدرش پرسیده بود: «فایده‌ی تاریخ چیست؟» پدر، «مارک بلوخ» بود و در پاسخ، کتاب عالی‌قدر توجیه فایده‌ی تاریخ یا شرح کیفیت وظائف مورخ³ را نوشت و در آن استدلال کرد که تاریخ، فن است؛ باب تعقل و اعتدال را مفتوح می‌کند؛ نیروی انتقاد را عمیق می‌سازد؛ به ایجاد تفاهم در موارث فرهنگی بشر مدد می‌رساند؛ و انسان را به مقام تمیز میان حقیقت و تبلیغات رهنمون می‌سازد. بنابراین، افزون بر دانایی گذشته و بازشناسی درستی‌ها از نادرستی‌ها (از منظر وقوع رویداد تاریخی و نه از منظر اخلاقی یا غیراخلاقی بودن کردارها)، تاریخ عبارت از کاربست معرفت‌های به‌دست‌آمده از راهرو عبرت‌گیری است.

1. مجید یکتایی، (1350)، تاریخ‌شناسی: نقدی بر تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران، کاخ چاپ، ص 18.

2. آرنولد توین‌بی، (1370)، مورخ و تاریخ، ترجمه حسن کامشاد، تهران، خوارزمی، ص 39.

3. چارلز پیتربیل، (1334)، آموزش تاریخ، ترجمه مهدی جلالی، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ص 1.

یک) دیباچه‌ی روش‌شناختی

نگارنده، مقاله‌ی خود را با پذیرشِ علاقه‌مندانه‌ی مفروضه‌ای که خواهد آمد، آغاز کرده است: «روش تاریخی، هنوز در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، به‌عنوان روشی که می‌تواند به بحث‌های آنان عمق ببخشد و ریشه‌ی بسیاری از مسائل را آشکار کند، قلمداد می‌شود. مطالعات موردی تاریخی در علوم سیاسی، نه تنها یافته‌هایی عمیق درباره‌ی پدیده‌ها و رفتارهای سیاسی مردم و کشورهای دنیا به‌دست می‌دهد، بلکه زمینه‌ی مقایسه‌های بعدی را نیز فراهم می‌کند.»¹ از بخت بد، پیشینه‌ی پژوهش‌هایی از این دست، بسیار کم است و از منظری که نگارنده، مقاله‌ی خود را آغاز و به پایان رسانده است، نمی‌توان نوشته‌ای را یافت که در آن نشان داده شده باشد چگونه باید از دل اسناد به‌عنوان موادّ خام پژوهش راهی گشود که به درک تاریخ معاصر ایران منجر شود. در سه کتاب هم‌پیوند با روش تحقیق در تاریخ،² اسناد فقط منابع پژوهش در تاریخ محسوب می‌شوند؛ اما، در این زمینه چگونه می‌توان از طریق اسناد ژرفنای حوادث تاریخی را مطالعه کرد، ادّعایی ندارند و این همان خلأیی است که باید به‌نحوی، درباره‌ی آن قلمفرسایی کرد.

سایر کتاب‌های روش پژوهش (مانند کتاب‌های حسن‌زاده، نادری و سیف‌نراقی، میرزایی، دلاور، حافظ‌نیا، دوورژه، بست، ساروخانی، گال و بورگ و گال، میرزایی، کازبی، بلیکی، مارشال و راس‌من، و بیکر) نیز هنگام نام بردن از شیوه‌های گوناگون پژوهش، از پژوهش تاریخی هم، نامی به‌میان آورده‌اند و در آن میان، از اسناد به‌مثابه منابعی درجه اول نام برده‌اند که به پژوهشگر رخصت می‌دهد به بازسازی واقعه‌ی تاریخی بپردازد. اما آنها هم نشان نمی‌دهند که از این اسناد و مدارک، چگونه و به چه ترتیب باید بهره گرفت تا بتوان رویداد اکتون تاریخی شده را بازسازی و بازشناسی نمود.

نگارنده برای نوشتن نوشتار خود که بر پیشنهاد و کاربست مدلی برساخته در بازشناسی و بازسازی رخداد تاریخی استوار است، از دلالتی برخوردار بوده است: «مشکل دیگر

1. عباس منوچهری، (1390)، ره‌یافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سازمان سمت، صص 178-179.

2. جهان‌بخش ثواقب، (1385)، روش تحقیق با تأکید بر تاریخ، شیراز، نوید شیراز، صص 223-225؛

علی‌رضا ملایی توانی، (1386)، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، صص 141-146؛

جواد هروی، (1386)، روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ، تهران، امیرکبیر، ص 130.

تحقیقات تاریخی، سازمان‌دادن اطلاعات و مدارک گردآوری شده است؛ یعنی، محقق، زمانی می‌تواند به تجزیه و تحلیل یک واقعه بپردازد که امکان برقراری ارتباط بین اسناد و مدارک و ساختن تصویری از وضعیّت و خصوصیات زمان حادثه وجود داشته باشد.¹

در آثار محمدجواد شیخ‌الاسلامی، جهانگیر قائم‌مقامی، غلامرضا فدایی عراقی، و کتابی که به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات منتشر شده،² به طرز مستوفی درباره‌ی اهمیّت اسناد در پژوهش تاریخی سخن رفته است. ولی، آنها نیز به صورت عملیاتی نشان نداده‌اند که چگونه می‌توان اسناد را به سخن آورد. به دیگر بیان، در این مقام نبوده‌اند که به طراحی چارچوبی روش‌شناختی بیرون از انتظام دانشگاهی تاریخ اقدام کنند؛ بلکه، بیشتر قصدشان زنهار از چگونگی برخورد درست با اسناد تاریخی بوده است. بنابراین، بدون برسازی مدعیات خودستایانه، نگارنده برای نخستین بار، می‌کوشد نشان دهد که چگونه می‌توان با مدل‌های برساخته از دانش‌های گوناگون علوم اجتماعی، اسناد را وادار کرد که درون مایه‌های خود را بیرون بریزند و رویه‌ی دیگر تاریخ را بشناسانند.

بنابراین، پرسش بنیادین مقاله این است که چگونه می‌توان با برساختن مدلی نقش/ساختارپایه، اسناد تاریخی را بازخوانی کرد؟ این دوباره‌خوانی، باید منجر شود به اینکه متن اسناد، که در نظر نخست، فاقد توصیف و تشریح و تبیین هستند، تبدیل به نوشتارهایی شوند که هم به کار وصف آیند، هم شرح دهند، و هم زمینه را برای تبیین چندوچون رویداد تاریخی فراهم آورند. مدل برساخته‌ی نگارنده، پساتوصیف است و بی‌گمان به کار تشریح و تبیین می‌آید.

1. محمدرضا حافظ‌نیا، (1384)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سازمان سمت، صص 54-55.

2. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (به‌کوشش)، (1381)، مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، بی‌جا، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات؛ محمدجواد شیخ‌الاسلامی، (1369)، «شیوه‌ی کاربرد اسناد و مدارک در پژوهش‌های سیاسی و تاریخی»، در: محمدجواد شیخ‌الاسلامی، (1369)، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، تهران، کیهان؛ غلامرضا فدایی عراقی، (1377)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، تهران، سازمان سمت؛ جهانگیر قائم‌مقامی، (1350)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی.

دو) درباره‌ی تاریخ

کسان بسیار، درباره‌ی تاریخ و چیستی آن، سخن‌ها گفته و نوشته‌اند و نیازی به تکرار گفته‌های مکرر آنان نیست. چند نکته‌ای که در پی می‌آید، برای گرم کردن ذهن خواننده است. «استنفورد» کار مورخ را این‌گونه توصیف می‌کند: «مهارت اصلی مورخ عبارت است از توانایی برای کشف آنچه بوده از روی آنچه هست. انسان‌ها، با تبدیل شواهد چونان بقایا، به شواهد چونان استدلال، آنها را به سخن گفتن وامی‌دارند.»¹ مورخ، این کار را چگونه انجام می‌دهد؟ به تعبیر «کالینگود» «تاریخ با تفسیر مدارک به پیش می‌رود. مدارک، اسم جمعی برای چیزهایی است که تک‌تک، سند خوانده می‌شوند و سند چیزی است موجود و حاضر، از آن‌گونه که مورخ با تفکر درباره‌ی آن، می‌تواند به پرسش‌هایی که درباره‌ی رویدادهای گذشته طرح می‌کند، پاسخ دهد. روال یا روش تاریخ، اساساً عبارت است از تفسیر مدارک.»² در پژوهشی تاریخی، مورخ از مدارک در سه گام بهره می‌گیرد: «بررسی آثار و بقایا و حصول اطمینان کامل از این امر که این بقایا همان است که به نظر می‌آید باشند، یعنی نه آنچه بوده است، بلکه آنچه اکنون هست. دوم، تلاش برای بازشناسی سیر تحول تاریخی شواهد، سوم شیء یا پدیده‌ی مورد نظر چگونه و چرا، به دست چه کسی و با چه منظوری، با چه سیاقی یا شیوه‌ها و روش‌های غالب، و در چه شرایطی ساخته شده است.»³

تاریخ، معرفت مالا مال از قضاوت‌ها نیست، بلکه علم شناسایی و بررسی اسناد است.⁴ به دیگر سخن، تاریخ یعنی شناخت گذشته‌ی انسان، شناخت رویدادها، شناخت کنش‌ها، احساسات و افکاری که انسان در طی دوره‌های متوالی گذرانده و قابل ثبت و ضبط در خاطر دانسته است. یعنی، تاریخ عبارت است از «روشی علمی که امکان تدوین و انتقال

1. مایکل استنفورد، (1382)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران، نشرنی، صص 112-113.

2. رابین جورج کالینگود، (1385)، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی‌اکبر مهدیان، تهران، اختران، ص 17.

3. درآمدی بر فلسفه تاریخ، صص 113-114.

4. احمد تاج‌بخش، (1376)، تاریخ و تاریخ‌نگاری، شیراز، نوید شیراز، ص 36.

یادبود اعصار گذشته را فراهم آورد.¹ البته، روش علمی پژوهش در رخدادهای تاریخی ویژگی‌هایی دارد: قدر مسلم این است که وقایع و رویدادها، مبنای پیدایش تاریخ هستند، ولی چون حوادث و اتفاقات مانند امور طبیعی، مابه‌ازاء خارجی ندارند، رویدادهای گذشته برای حال، دیدنی و ملموس نیستند و وقایع حال نیز در آینده، دیده و لمس نمی‌شوند. به‌ناچار، فقط آثار گذشتگان است که ماجرای آن حوادث و وقایع را به شکلی درست یا نیمه‌درست برای ما و آیندگان بازمی‌گوید و این آثار است که در اصطلاح تاریخ‌نویسی، «منابع و مآخذ تاریخ» نامیده می‌شود.²

هرچند روش‌های به‌کار رفته در پژوهش‌های تاریخی، یک‌سر متفاوت از سایر پژوهش‌ها نیست، ویژگی‌های خود را دارد: روش عمومی به‌کار رفته در پژوهش‌های تاریخی، کم‌وبیش مشتق از روش تحلیلی است که در نقد ادبی یا نقد تاریخی به‌کار می‌رود. بنابراین، تحلیل‌ها، دو نوع برون‌ی و درونی‌اند. در تحلیل برون‌ی، به هر سند، هم در رابطه با مجموعه‌ی سندهایی که سند مورد تحلیل بخشی از آنها را تشکیل می‌دهد، هم در رابطه با مجموعه‌ی امکانات زمانی، مکانی و اجتماعی همراه با سند، و هم به نتیجه‌ای که تنظیم‌کننده‌ی سند از تولید آن در نظر داشته است، توجه می‌شود. تحلیل درونی به شناسایی محتوای یک سند می‌پردازد که مشتمل است بر دو نوع انتقاد احساسی و عقلایی. در انتقاد احساسی، احساس و تأثیر ناشی از کل اثر بررسی می‌شود، ولی هدف از انتقاد عقلایی، بررسی منطقی محتوای اثر است.³

بنابراین، به‌نظر می‌رسد که تاریخ از استقراء آغاز می‌شود و نه از قیاس. قدم اول مورخ، عبارت است از کشف و گردآوری اسناد، که مستلزم استقراء است در تمام مظان روایات، و استقراء، هرچه تام‌تر، بهتر.⁴ پس از پویش گام‌به‌گام در جمع‌آوری اسناد و مدارک موجود

1. هنری ایرنه مارو، (1375)، «حرفه‌ی تاریخ‌نویسی»، ترجمه‌ی اقدس یغمایی، در: شارل ساماران (زیرنظر) روش‌های پژوهش در تاریخ، مشهد، آستان‌قدس رضوی، جلد‌های 3 و 4، ص 23.

2. جهان‌گیر قائم‌مقامی، (1350)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ص 3.

3. محمدحسین دینانی، (1368)، «نکات اساسی در تحقیقات تاریخی»، مطالعات تاریخی، سال اول، شماره 2، تابستان 1368، ص 162.

4. عبدالحسین زرین‌کوب، (1370)، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، ص 142.

درباره‌ی رویداد مورد نظر، نوبت پژوهش به معنای دقیق واژه است: «تا همین روزگار ما، اعتقاد به گردآوری واقعیات به منزله‌ی اساس و بنیاد تاریخ بود. هنگامی که مورّخ با لحنی پُر از هیبت و حرمت از اسناد سخن می‌گفت این‌طور به نظر می‌رسید که با دسترسی به فرامین، عهدنامه‌ها، طومارهای املاک و وقف، کتاب‌های آبی و سبز و مکاتبات رسمی و حتی نامه‌های خصوصی و خاطرات، ما تقریباً همه چیز را برای ارائه‌ی معرفتی تاریخی در اختیار داریم، غافل از اینکه همه‌ی این اسناد و مدارک باید در بوته‌ی نقد و پژوهش قرار گیرد.¹ برداشتن گام‌هایی از این دست، همان منحنی خطّ سیر گلوله‌ی «مارو» است که مبتنی بر امتزاج دو سطح شخصیتِ مورّخ و واقعیتِ عینی است. از «معلومات عمومی، طرح سؤال»، به «اسناد و مدارک» و سپس «درک و تفسیر و استنتاج»² منتهی می‌شود و در واقع، به اطلاعات و شناخت تاریخی می‌انجامد. حال، منابع و مآخذی که به کار تدوین تاریخ آمدند، به‌طورکلی به پنج دسته تقسیم می‌شود: منابع ذهنی یا نقلی (شرح مسموعات، مشاهدات، خاطرات اشخاص)، منابع باستان‌شناسی (بناهای تاریخی، سنگ‌نبشته‌ها، لوح‌ها، سکه‌ها، کتیبه‌های چوبی و گچی، مقابر، نوشته‌های مندرج بر کاشی‌ها، و اشیاء و آثار هنری مکشوف از دل خاک)، منابع تصویری و ترسیمی (نقاشی‌ها، مینیاتورها، عکس‌ها، گراورها، نقشه‌ها و نمودارها)، منابع کتبی (کتاب‌های تاریخی، تک‌نگاشت‌های موضوعی، جغرافی‌نویسی‌ها، متون ادبی و نشریه‌ها)، و مدارک آرشیوی/تاریخی که مشتمل است بر فرمان‌های سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات، نوشته‌های اداری، اسناد قضایی/مالی/حقوقی، گزارش‌های اقتصادی/اجتماعی/فرهنگی/نظامی، و مکاتبات خصوصی که همگی را می‌توان «سلطانیات و دیوانیات و اخوانیات» نامید.³ اصالت، سندیت، اعتبار و ارزشمندی منابع و مآخذ کتابت تاریخ، متفاوت است:

1. سید حسین رییس‌السادات، (1379)، «معرفت تاریخی»، پژوهش‌های تاریخی، سال 3، شماره‌های 5-8، بهار - زمستان 1379، ص 204.
2. حرفه‌ی تاریخ‌نویسی، ص 332.
3. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، صص 3-6.

نوع منبع	درجه‌ی ارزش و اعتبار	دلیل
منابع ذهنی یا نقلی	کم	امکان ضعف قوه‌ی حافظه، نقص قوه‌ی ادراک راویان، وجود اغراض شخصی، غفلت و تسامح فردی
منابع باستان‌شناسی	کم	قضاوت و استنباط مبتنی بر حدس و گمان و تقریب
منابع تصویری و ترسیمی	سودمند و با ارزش	ترسیم‌کننده‌ی شیوه‌ی زندگی انسان‌ها و پیوند میان آنها
منابع کتبی	محل شک و تردید و با قید احتیاط	بی‌دقتی و کم‌سوادی و ناواردی کتاب و وُراق، تلقی نادرست از نسخه‌ها، تعبیر و تفسیرهای نابجا
مدارک آرشیوی	اصیل و معتبر دارای ارزش تحقیقی	وابستگی سند به روایت‌ها به صورت مستقیم، قضاوت و استنباط درست از محتوای آنها

به هر حال، پژوهش در تاریخ، کاری توان‌فرسا است: مشکل اصلی محدود کردن مسئله است به گونه‌ای که تجزیه و تحلیل آن به‌نحو مطلوب امکان‌پذیر باشد. مورخ با تجربه می‌داند که تحقیق تاریخی باید به تحلیل زیرکانه‌ی مسئله‌ای کوچک محدود باشد، نه بررسی سطحی زمینه‌ای گسترده. ممکن است مورخان در زمانی که درباره‌ی آنها مطالعه می‌کنند، زندگی نکرده و از وقایعی که درباره‌ی آنها تحقیق می‌کنند، کنار باشند. بنابراین، اغلب ناگزیرند به‌جای مشاهدات مستقیم، به استنباط و تحلیل منطقی تکیه کنند و تجربه‌های ثبت‌شده‌ی دیگران را به‌کار برند. برای حصول اطمینان از اینکه اطلاعات آنها تا حد امکان درست است، باید به مدارک اصلی و دست‌اول تکیه کنند.¹

اما این پایان کار نیست، زیرا مدرک به‌دست‌آمده، نیازمند دو نوع نقّادی است تا درون‌مایه‌ی خود را بیرون بریزد: نقّادی بیرونی، شامل معلوم ساختن اصالت منشاء ظاهری (نویسنده، محل، زمان، و شرایط انتشار) یا مورد ادّعای مدرکی تاریخی؛ و نقّادی درونی،

1. جان بست، (1381)، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه‌ی حسن پاشاشریفی و نرگس طالقانی، تهران، رشد، صص 181-182.

به معنای ارزیابی صحّت و ارزش مطلب مندرج در منبع تاریخی.¹ معمولاً، این‌گونه نقّادی‌ها را بخشی از پژوهش‌های کیفی تلقّی می‌کنند که مستلزم به‌کار بستن شیوه‌های خاصّ تحقیق است. یک پژوهشگر پژوهش تاریخی، با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک (شکار شواهد و قضاوت اولّیه درباره‌ی داده‌ها) به‌عنوان یکی از روش‌های شناخته‌شده‌ی پژوهش، می‌کوشد ارزش‌ها و باورهای جامعه یا افرادی را که در جریان رویدادهای تاریخی شده، مشارکت داشته‌اند، به تصویر بکشد؛ «این اسناد، می‌توانند مکمل روش‌های دیگری باشند که در تحقیق کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اغلب، استفاده از سند مستلزم به‌کارگیری روشی خاصّ است که آن را تحلیل محتوا می‌نامند.»² به‌راستی سند چیست؟

سه) چیستی و جایگاه سند در پژوهش تاریخ

تعریف سند چنین است: دلیل، رسید، قبض، نوشته، مدرک، و نوشته‌ای که قابل بهره‌گیری، ارجاع، استناد و مورد اعتماد باشد، سند نامیده می‌شود؛ و مشتمل است بر «مکاتبات سلطنتی، فرمان‌ها، اسناد معاهدات سیاسی، انواع نوشته‌های اداری و دیوانی، گزارش‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، اسناد قضایی، مالی و بخشی از مکاتبات خصوصی و خانوادگی.»³ اسناد و مدارک تاریخی نیز عبارتند از: منشئات ادبی و دیوانی، فرامین و امثله و دستورالعمل‌ها، اسناد مالی، قبالات، عرایض، مکاتیب دوستانه، رقعجات، اعلامیه‌های دست‌نوشته، و آنچه بر غیر کاغذ ثبت شده است.⁴

به هر ترتیب، سند جایگاه والایی در پژوهش‌های تاریخی دارد: سند به‌عنوان داده‌ی تاریخی، «سنگ پایه‌ی»⁵ پژوهش تاریخی / تحلیل سیاسی است؛ قطعه عکسی است از

1. مردیت گال، والتربورگ، جویس گال، (1387)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه‌ی احمدرضا نصر و دیگران، ج دوم، تهران، سازمان سمت و دانشگاه شهید بهشتی، صفحات 1152-1153 و 1155.

2. کاترین مارشال، گرچن راس من، (1386)، روش تحقیق کیفی، ترجمه‌ی علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص 119.

3. غلامرضا فدایی عراقی، (1377)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، تهران، سازمان سمت، ص 3.

4. علی‌اکبر خان محمدی، (1372)، «روش کار با اسناد خطّی»، گنجینه اسناد، سال 3، دفتر اول، بهار 1372، ص 89.

5. حسن ابراهیم‌زاده، (1381)، «سند و تحلیل»، در: مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج سوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص 25.

مقطعی تاریخی و یک رویداد. حال، باید دید این قطعه عکس را چه کسی، از چه زاویه‌ای، به چه منظوری و در چه فضایی گرفته است؟ سند صادق از سند کاذب چگونه تمیز داده می‌شود؟ زبان ظاهری و زبان فطری آن چیست؟ نسل میدانی یا نسل کتابخانه‌ای، کدامیک را می‌توان محق و برتر در تحلیل دانست؟ و این همه، به تعبیر ابراهیم زاده، با فرضی همراه شده است که «هر تحلیل‌گر سیاسی خوب، انسان خوبی نخواهد بود.»¹ بنابراین، تحلیل‌گر باید، هم اهل باشد و هم قابل.

اسناد موجود را برحسب محتوا و کاربردهای آن در حوزه‌ی پژوهش‌های تاریخی، می‌توان به پنج گروه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و شخصی² دسته‌بندی کرد که به گمان او، از آن میان، اسناد سیاسی مهم‌ترند، زیرا نقشی به‌سزا در شناخت «فرهنگ سیاسی» ملت‌ها دارند. در بررسی رویدادهای تاریخی، افزون بر علم مطالعه‌ی فرامین و اسناد، دانش‌هایی دیگر نیز مورخ را مدد می‌رسانند که عبارتند از: علم مطالعه‌ی فرمان‌ها و اسناد دیپلماتیک، پالئوگرافی (خط‌نویسی)، اونوماستیک (مطالعه و بررسی اسامی خاص)، قوم‌شناسی، باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، مهرشناسی، نسب‌شناسی، هرالدیک (نشان‌شناسی)، فیلولوژی (علم شناخت شواهد و مدارک کتبی)، کتیبه‌شناسی، پاپیروس‌شناسی و رمزشناسی.³

کاربرد عام اسناد بدین صورت است که موضوع خاص تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌ای انتخاب و سپس اسناد مربوط به آن، جمع‌آوری می‌شود. پس از آن، اسناد گردآوری‌شده به ترتیب تاریخی تنظیم می‌شوند. گردآوری، تنظیم و تدوین تاریخی/دوره‌ای اسناد، به نوعی «توالی تاریخی» می‌انجامد.⁴ بنابراین، در پژوهشی تاریخی، پس از طرح سؤال، هر مورخ باید راهی برای پاسخ دادن به آن بیابد، ولی برخلاف داستان‌سرا به شرح رویدادهای ساخته و پرداخته‌ی ذهن خویش نمی‌پردازد، بلکه

1. همان، صص 32-33.

2. یدالله مرادی، (1381)، «سند و تحلیل سیاسی»، در: مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج

اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص 93.

3. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، صص 13-23.

4. علی‌اکبر اکبری، (1381)، «اهمیت اسناد در تاریخ‌نگاری معاصر»، در: مجموعه مقالات همایش اسناد و

تاریخ معاصر، ج اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص 224.

هدف او بازسازی رویدادهای دوران گذشته به همان صورتی است که در آن زمان اتفاق افتاده است. برای این کار، باید مواد و مصالحی در اختیار داشته باشد. این مواد و مصالح، اسنادی هستند که از طریق آن می‌توان در زمان حال، به جنبه‌ها و گوشه‌هایی از گذشته دست یافت. به این ترتیب، دومین مرحله‌ی علمی تحقیق، طرح سؤال است؛ به این ترتیب، اسناد و مدارکی که بتواند پاسخگوی سؤال مورخ باشد، کدام است؟ چگونه و کجا می‌توان به این گونه اسناد دست یافت؟¹

گوناگونی اسناد قدیم بسیار است. فهرستی معتنا به از این اسناد مشتمل بر فرمان، منشور، مثال، عهد، یرلیغ، حکم، رقم، نشان، پروانچه، شجره، مواضعه، مشافهه، مخاطبه، ملطفه، گشادنامه، آل تمغا، تمغا، تعلیقه، فصول، برات، فرد، یادداشت، متحدالمال، متحدالمضمون و صریح‌الملک،² نشان‌دهنده‌ی چنین موضوعی است. بررسی هر یک از آنها و استخراج درون‌مایه‌های اسنادی از این دست، جز آنکه مهارتی سندشناسانه می‌خواهد، به رویدادشناسی دوره‌های تاریخی نیز نیاز دارد. افزون بر آن، و مهم‌تر از همه، پژوهشگر برای بررسی هر یک از انواع سندها، باید مدل و مکیالی نظری، پیشاروی خود بگذارد و با آن سنجهی منتظم، به بررسی اسناد تاریخی بپردازد.

پس از طی این مرحله‌ها، در تتبعی تاریخی چه چیزی به دست می‌آید؟ اگر اسناد تاریخی به طرز اصولی و علمی جمع‌آوری و بررسی شوند، آنچه از محتوای آنها روشن می‌گردد، از این قرار است: طرز مکاتبات اداری و ترتیب ثبت و ضبط نامه‌ها، احکام و دستورات، اصطلاحات اداری، دیوانی، سیاسی و اجتماعی و مالی و تحوّل آنها در دوره‌های مختلف، وضع اقتصادی و مالی کشور و مالیات‌ها و نحوه‌ی وصول آنها و ترتیب محاسبات و وضع دادوستد و پول، صادرات و واردات و بازرگانی، کشاورزی، دامپروری و آبیاری، و نحوه‌ی پرداخت مواجب و واگذاری اقطاع، ترتیب قباله‌نویسی و نحوه‌ی تهیه اسناد قضایی و مالی، طرز رفتار کارکنان و مأموران دولتی با مردم، اوقاف و مستحدثات عام‌المنفعه و وضع طبقات اجتماع و اصناف و اماکن عمومی، نکات جغرافیایی و تحوّل نام‌های جغرافیایی، خلیقات و آداب و رسوم و چگونگی تغییرات فکری مردم، تطوّر و

1. حرفه‌ی تاریخ‌نویسی، ص 342.

2. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، صفحات 43 و 127.

تکامل خط و شیوه‌های گفتار، تحوّل و تطوّر فنّ نویسندگی و انشاء، و بررسی انواع اشکال و موضوعات ناشی از مطالعه‌ی مهرها، طغراها، توقیع‌ها، دست‌خط‌ها، امضاها و توشیح‌های ملوکانه.¹

مدارک تاریخی، بسیار گوناگون هستند و به پژوهشگر تاریخ مدد می‌رسانند تا درون‌مایه‌های رفتاری را در سطح نهادها و تشکیلات یک نظام سیاسی تاریخی شده بهتر درک کند: اسناد تاریخی، شامل چهار دسته‌ی کلی‌اند: 1. اسناد مالی، حقوقی و قضایی که درباره‌ی امور روزمره‌ی زندگی و تحکیم روابط میان مردم و اجتماع به‌وجود آمده و حاکی از روابط مالی و اقتصادی و حقوقی مردم با یکدیگر است؛ مانند رهن و بیع شرط، قباله‌های خرید و فروش و اجاره و استجاره، مقاطعه‌نامه، بروات، حوالجات، نکاح و طلاق، ضمانت‌نامه، استشهادنامه، عرض‌حال، بارنامه، تذکره، قبوض رسید، آزادنامه‌ی غلامان و قسم‌نامه؛ 2. اخوانیّت که شامل مکاتبات دوستانه و نامه‌های خانوادگی است. برخی از آنها فقط جنبه‌ی ادبی و هنری دارند و برخی دیگر به حقیقت‌نویسی و خصوصیات زندگی افراد می‌پردازند؛ 3. مکاتبات درباری که شامل مکاتبات پادشاهان، شاهزادگان و امیران است و به آنها سلطانیّت می‌گویند؛ 4. دیوانیّت که نوشته‌هایی است درباره‌ی مسائل و امور دولتی و کشوری و در دستگاه‌های اداری و دیوانی تهیه می‌شد.²

در پژوهش تاریخی، نمی‌توان مقام اسناد را مطلق و آنها را کاشف واقعیّت تلقی کرد: از نظر دور نماند که اتکا به این اسناد و مدارک مطلق نیست و خود به اعتبارسنجی نیاز دارد تا ضریب خطا در استناد به آنها کاهش یابد. در غیر این صورت، این اتکا و استناد نه تنها محقق و مورخ را به حقیقت واقعیه نزدیک نمی‌کند، بلکه فاصله و انحراف معیار را تشدید می‌کند.³ این سخنان را به‌گونه‌ای دیگر نیز می‌توان تعبیر کرد: درست است که آنچه در اسناد رسمی هست همیشه از آنچه واقع بوده است حکایت نمی‌کند، اما چون غالباً کاشف از اغراض و مقاصدی است که در پشت الفاظ خاص آنها هست و مخصوصاً بدان سبب که مستند واقعیّت جاری یا جلوه‌گاه آنها بوده است بیشتر از روایات وقایع‌نگاران جنبه‌ی

1. همان، صص 8-9.

2. همان، صص 41-43.

3. محسن کاظمی، (1381)، «کارکرد اسناد در واقع‌نگاری تاریخی»، در: مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ‌نگاری معاصر، ج 2، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ص 213.

عینی دارد.¹ بنابراین، کار با سند به‌ویژه در پژوهش‌های عمیق تاریخی، بسی دشوار است؛ زیرا، این کار حتی برای مورخان مجرب کارآزموده‌ی دارای ذوق تاریخ‌نویسانه، دشوار و زمان‌بر است، چه رسد به نوآموزانی که این کار را دردآور می‌یابند؛² زیرا، تفاوت منابع اولیه و ثانویه بسیار است. به تعبیر «جان تاش»، منابع دست اول (اسناد) کتاب‌باز نیستند که حاوی و پیشنهاددهنده‌ی پاسخ‌های ثابت و ایستا باشند. آنها همانی نیستند که به‌نظر می‌آیند. اسناد، ممکن است حاوی نکاتی بسیار بیش از آنچه در نگاه اول آشکار می‌شود، باشند.³

کار محقق تاریخ، افزون بر جمع‌آوری، حفظ و استفاده از اسناد،⁴ گروه‌بندی شکلی و محتوایی آنهاست که پیش‌نیاز بررسی اسناد تاریخی و کاربست درست آنها در پژوهش‌های تاریخی محسوب می‌شود. از حیث شکل، اسناد در قالب‌های اصلی/غیراصلی، رسمی/محرمانه، دولتی/خصوصی، داخلی/خارجی، سالم/مخدوش، و واقعی/ساختگی، و از منزلت محتوا، به واقعی/دروغین، مستند/گزارش، و جایگاه و موقعیت مرجع تهیه‌کننده‌ی سند⁵ دسته‌بندی می‌شوند. نمی‌توان فراموش کرد که در پژوهش تاریخی، از میان منابع و مآخذ پنج‌گانه‌ای که متکای مورخ برای گزارش‌نویسی درباره‌ی رویدادهای تاریخی است، اسناد تاریخی و مدارک آرشیوی، اصیل‌ترین و معتبرترین‌اند، زیرا این‌گونه اسناد و مدارک نه تنها وسیله‌ای مقتضی برای درک تاریخ و شناخت تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و نظامی یک جامعه هستند، بلکه چون حاصل فعالیت‌های اداری و درباره‌ی اعمال روزمره‌ی زندگی افراد اجتماع‌اند و برای حفظ روابط جامعه با دستگاه‌های اداری و هیئت حاکم تهیه و تنظیم می‌شوند، خالی از شایعه، دروغ، تظاهر، اغراض خصوصی و ملاحظه‌کاری هستند و به‌سبب همین نقش اساسی و قابل اعتماد این منبع در

1. تاریخ در ترازو، صص 146-147.

۲. Gary Macculloch, (۲۰۰۴), *Documentary research in education, history and social sciences*, London, RoutledgeFalmer, p. ۴۱.

۳. Ibid.

4. پیروز مجتهدزاده (گفتگو با)، عمادالدین فیاضی (تنظیم‌کننده)، (1377)، «اسناد و اهمیت آن در اثبات هویت ملی و تاریخی»، گنجینه اسناد، سال 8، دفتر 3 و 4، شماره‌های پیاپی 31 و 32، پاییز و زمستان 1377، صص 117.

5. نورالله عقیلی، (1381)، «اهمیت و چگونگی طبقه‌بندی و جرح و تعدیل در اسناد تاریخی»، در: مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج اول، صص 102-108.

اصالت ضبط وقایع، از قدیم‌ترین ایام در جوامع باستانی شناخته شده و اهمیت آن آشکار بوده است.¹

در تحلیل درونی و برونی اسناد، به نکته‌هایی توجه می‌شود، اما باید دقت کرد که روشی ویژه‌ی علوم اجتماعی و به‌طور خاص، مختصاً تاریخ برای تحلیل اسناد وجود ندارد. امروزه، روش‌های تحلیل تاریخی، شیوه‌های تحلیل جامعه‌شناختی، تحلیل قضایی، تحلیل‌های روان‌شناختی، و تحلیل اسنادهای آماری² به‌همراه تحلیل‌های معناشناختی و گفتمانی، کاربردهای فراوانی یافته است. اسنادها از حیث زمان وقایعی که توصیف می‌کنند، به چهار گروه کلی دسته‌بندی می‌شوند: اسندهای معاصر (گردآوری شده در زمان وقوع رویدادها)، اسندهای بعد از وقوع (گردآوری شده پس از وقوع رخدادها)، اسندهای دست اول (گردآوری شده توسط شاهدان عینی توصیف‌گر رویدادها) و اسندهای دست دوم (منابع گردآوری شده توسط دیگران و ناشی از اسندهای دست اول).³

پژوهش مبتنی بر اسناد گوناگون، یا تحقیق مستند، می‌تواند به شکل‌های گوناگون رواج یابد: تحقیق کیفی (معرفی و تفسیر اطلاعات موجود در سند به‌همراه بیان موضوع، فکر اصلی، اندیشه‌های مستتر، محور اصلی سند، نویسنده‌ی سند، زمان نوشتن سند، و قابلیت اعتماد منبع به‌همراه نتیجه‌گیری)، تحقیق کمی (تأکید بیشتر بر فراوانی‌های موضوعات گوناگون اسناد به‌همراه تعمیم‌های فراگیر)، تحقیق توصیفی/مقایسه‌ای (بهره‌گیری از اسناد در جهت توصیف رویدادهای مورد تحقیق برای تسهیل مقایسه‌ی میان فرهنگ‌ها و نیز مقایسه‌های فرهنگی در زمان‌های گوناگون)، و تجزیه و تحلیل محتوا (تمرکز بر محتوای پوشیده و آشکار اسنادها به‌همراه بررسی و تحلیل فرامتنی موضوعات بیرون متن سند).⁴

هنگام تحقیق روی اسناد، آفرینش معنا مستلزم پیچیدگی‌ها و داشتن تخصص و دانش فراوان است. انجام تحقیق اسنادی و تاریخی می‌تواند کار دشواری باشد. شاید بیش از هر

1. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص 6.

2. موریس دوورژه، (1375)، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر، صص 107-111.

3. علیرضا سنجایی، (1384)، روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل، تهران، قومس، صص 358-359.

4. همان، ص 359.

نوع تحقیق دیگر، تحقیق اسنادی و تاریخی نیازمند دانش خاصی در زمینه‌های محلی و مصنوعات گوناگون ایجاد شده یا منهدم شده و حفظ یا دور انداخته شده است.¹ دانش انتقاد تاریخی، افزون بر داشتن دانش درباره‌ی رویدادهای تاریخی، مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های مربوط به انتقاد درونی و بیرونی اسناد تاریخی است. در انتقاد بیرونی، مستند بودن و اصالت داده‌ها تعیین می‌شود؛ و در انتقاد درونی، پس از مشخص شدن اصالت و صحت و سندیت اسناد تاریخی، نوبت به ارزشیابی دقت و مناسبت آنها می‌رسد. اینکه آیا اسناد تصویری حقیقی از رویداد به دست می‌دهند یا تصویری تحریف شده، و اینکه آیا نویسندگان و تهیه‌کنندگان اسناد و مدارک، مهارت، صداقت و بی‌طرفی داشته‌اند، یا موافقت و معارضه‌شان² باعث تهی شدن سند از اعتبار و روایی شده، مسئله‌ای است که باید روشن شود. در مجموع، چهار معیار برای داوری درباره‌ی کیفیت اسناد وجود دارد: اصالت، اعتبار، نمایا بودن، و معنا. باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که: آیا سند اصیل است و تردیدی درباره‌ی منشأ آن وجود ندارد؟ آیا سند عاری از خطا و تحریف است؟ آیا سند نمونه‌ی بارزی از سندهای شبیه به خود است و اگر نه، آیا میزان تفاوت آن مشخص شده است؟ آیا سند، روشن و قابل فهم است؟³

حال، در بررسی رویدادهای تاریخی، مهم این است که چه تصمیمی درباره‌ی موضوعی خاص گرفته شده، چه کسی تصمیم را گرفته، آن تصمیم در کدام محیط اتخاذ شده، چه پیامدهایی داشته، از کدام سلسله‌مراتب برخاسته، بر چه موضوعات یا روندها و افرادی تأثیرگذار بوده و چگونه توانسته است نشانه‌ای از خود را بر سایر محیط‌های تصمیم‌گیرنده باقی گذارد؟ بی‌گمان، تصمیم، جوهره‌ی بنیادین نظام‌های سیاسی/تاریخی است. پژوهش درباره‌ی ماهیت اسنادی به‌جامانده‌ی مرتبط با تصمیم، نیازمند بررسی شیوه‌مندی است که تمامی جنبه‌های هم‌پیوند با آن دیده شود. آیا به‌راستی در بررسی‌های پژوهشی درباره‌ی

1. کریستین استربرگ، (1384)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه احمد پوراحمد و علی شمّاعی، یزد، دانشگاه یزد، ص 160.

2. روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، صص 184-185؛ خدیجه سفیری، (1387)، روش تحقیق کیفی، تهران، پیام پویا، صص 243-244.

3. اووه فلیک، (1387)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ص 278.

انبوه اسنادی که حول و حوش رویدادهای تاریخی به جا مانده است، می‌توان بدون مجهز شدن به بسته‌های متدولوژیک، وارد عرصه‌های گسترده شد؟ «مدل»، فقط ابزار است و نه محتوا؛ ولی پژوهشگر با برخورداری از مدل، می‌تواند از اسناد معتبر به‌درستی بهره بگیرد.

چهار) مدل: چیستی و کارویژه

بسیاری از واژگان هست که در پیوند با یکدیگر، چارچوب روش‌شناسی علوم را شکل می‌دهند: قانون، تئوری، مفهوم، فرضیه، پارادایم، متاتئوری و مدل. مدل، تصویری نسبتاً کلی از طرح اصلی پدیده‌ای بزرگ و شامل برخی اندیشه‌های هدایت‌گر پیرامون ماهیت واحدهای ذی‌مدخل، الگوهای این واحدها و نیز الگوهای روابط است.¹ مدل، انتزاعی از واقعیت است که به‌منظور ساده‌سازی و نظم‌دادن به دیدگاه‌های پژوهشگران از واقعیت، به‌کار می‌رود. هدف از تولید و به‌کار بستن مدل‌ها، ساده‌سازی پیچیدگی‌های امور واقع و آن چیزی است که در تحلیل پژوهشگران، سردرگمی در باب بررسی جهان نامیده می‌شود.

مدل عموماً، انتزاعی از واقعیت است که نمادها را برای نمایش موقعیت جهان واقعی و رفتارهای نظام‌دار به‌کار می‌گیرد. بنابراین، بیانگر و اساساً نمادی از واقعیت است که مهم‌ترین ویژگی‌های دنیای واقعی را به‌صورتی ساده و کلی بیان می‌کند. به بیان دیگر، مدل نمادی است که به شکلی ساده می‌تواند عوامل و روابط موجود در یک موقعیت را به اشکال مختلف کلامی، ترسیمی، ریاضی، تجسمی و غیره نشان دهد.² مدل با فرضیه نیز پیوندی وثیق دارد. مدل، دستگاهی از فرضیه‌هاست که میان آنها ارتباط منطقی برقرار است.³ مدل‌ها، توصیف‌هایی انتزاعی از پدیده‌های مورد پژوهش‌اند. مدل گاهی به‌جای نظریه به‌کار می‌رود و گاهی به‌عنوان تشبیه به مکانیسم‌ها؛ گاهی بازنمودهای نموداری برای نشان‌دادن الگوهای روابط، توالی‌های زمانی یا پیوندهای علی موجود در جنبه‌هایی از

1. علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، (1387)، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران، پیام پویا، ص 69.

2. حیدرعلی هومن، (1386)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران، سازمان سمت، ص 68.

3. ریمون کیوی و لوک‌وان کامپنهود، (1386)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا، ص 141.

زندگی اجتماعی هستند و گاهی نیز به بازنمودهای ریاضیاتی رفتارهای همپوند¹ مدد بسیار می‌رسانند و نظریه‌ها را صوری می‌کنند. مدل تنها حاوی برخی از ویژگی‌های دنیای واقعی است، نه همه‌ی آنها. مدل مجموعه‌ای از حدس‌های ما درباره‌ی جهان است که با یکدیگر رابطه‌ی دوسویه دارند. مدل نیز مانند همه‌ی تصویرها ساده‌تر از پدیده‌ای است که انتظار می‌رود آن را تصریح و تشریح کند.²

فرآیند تصمیم در نگاه اول ساده است. موضوعی رخ داده یا درحال وقوع است و باید درباره‌ی آن تصمیم گرفت. تصمیمی گرفته و سرنوشتی معین می‌شود. هنگامی که بخواهیم چگونگی، چرایی و چیستی اتخاذ تصمیم را بشناسیم، هزارتویی از واقعیت‌های گوناگون درهم‌فرورفته پدیدار می‌شوند که بازشناسی فرآیند تصمیم را دشوار می‌سازد. مدل، روند تصمیم را ساده‌سازی می‌کند. آیا برای توصیف و بازنمایی فرآیند تصمیم‌های گرفته‌شده در عرصه‌ی تاریخ تحولات جهان، مدل یا مدل‌هایی وجود دارد؟ مدل‌ها، کارویژه‌ای مهم و استثنایی دارند: اگر مدل‌ها به شناسایی متغیرهای مهم به‌گونه‌ای کمک کنند که بتوان آزمون فرضیه‌ها را عمیق‌تر کرد، محققان نباید در استفاده از آنها تردید کنند.

پنج) تصمیم‌گیری: چیستی معنا و مدل‌ها

تصمیم‌گیری را می‌توان جوهر تمامی فعالیت‌های اجتماعی انسان دانست که در شش گام پدیدار می‌شود: تشخیص و تعیین مشکل اصلی، احصای شقوق و راه‌حل‌های ممکن، انتخاب معیار سنجش و ارزیابی راه‌حل‌های ممکن، تعیین نتایج هر یک از راه‌حل‌های ممکن، ارزیابی شقوق، از طریق نتایج هر یک از آنها، و انتخاب راه‌حل اصلح یا اخذ تصمیم. به دیگر سخن، متغیرهای تصمیم‌گیری عبارت‌اند از: موقعیت، دست‌اندرکاران، سازمان، فرآیند، و نتیجه.³

1. نورمن بلیکی، (1387)، طراح‌ی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، نشرنی، صص 217-228.

2. یارول مانهایم و ریچارد ریچ، (1385)، روش‌های تحقیق در علوم سیاسی: تحلیل تجربی، ترجمه‌ی لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص 519.

3. محمدحسین خوش‌وقت، (1375)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص 88.

در مفهوم موقعیت، باید دید که تصمیم‌گیران پدیده‌ها، شرایط و احوال، و دیگر بازیگران و مقاصد آنها را چگونه می‌نگرند و درک می‌کنند. در مقوله‌ی دست‌اندرکاران باید انگیزه، شخصیت، تجارب/پیشینه‌ی اجتماعی، تعهدات ارزشی و ترجیحات تصمیم‌گیرندگان را ملاحظه کرد. در مرحله‌ی سازمان، باید به نقش بازیگران، محیط نهادها، ساختار رسمی/غیررسمی و مکان واقعی تصمیم‌گیرندگان در فرآیند ساختار سازمانی دقت کرد. در گام فرآیند، باید به کیفیت انجام تصمیم و نحوه‌ی تبدیل داده‌های سیستم سیاسی به ستانده‌ها دقت کرد و در مرحله‌ی نهایی، باید ضمن تفکیک سه قضیه‌ی ستانده، نتیجه و اثر، به شناسایی و رده‌بندی ابرسیاست‌ها، سیاست‌های هادی و سیاست‌های عمومی پرداخت. فرآیند تصمیم‌گیری در عرصه‌ی تاریخ و سیاست (تاریخ روابط بین‌الملل، تاریخ دیپلماسی، تاریخ پادشاهان، تاریخ صلح، تاریخ جنگ، و تاریخ معاهده‌های بین‌المللی) تحت تأثیر عوامل بسیاری است: ویژگی‌های شخصیتی تصمیم‌گیرندگان، اطلاعات و تفسیرها و تصورات تصمیم‌گیرندگان نسبت به محیط، ارزش‌های حاکم بر سیستم سیاسی، نقش‌های رسمی در اختیار هر سیاستگذار، فشارهای داخلی و خارجی، تنگناها و محدودیت‌های سیاستگذاری (ناشی از ساختار قدرت، سازمان، ویژگی‌های انسانی، زمان، تکنولوژی، منابع مالی و اطلاعات موجود) و تصمیم‌گیرندگان نهایی. برای شناخت درست ماهیت و محتوای تصمیم‌های اخذشده در تاریخ و سیاست، باید از میان همه‌ی پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها عبور کرد. در این راه به طرح‌واره‌هایی نیاز است: طرح‌ها یا برداشت‌های نظم‌دهنده، در بیرون کشیدن مفاهیم از داده‌ها و وقایع بسیار متنوع روابط بین‌الملل به پژوهشگران و دانش‌پژوهان کمک می‌کند و هدف از پیدایش و کاربست آن، افزون بر ایجاد آگاهی از راه نظم بخشیدن به واقعیات و مفاهیم در الگویی بامعنا (زیرا واقعیات‌ها را تنها هنگامی می‌توان نمونه‌هایی از روندهای کلی و تکرارشونده در سیاست بین‌الملل تلقی کرد که در چارچوبی از مفاهیم جای گیرند) پاسخ‌دادن به سه پرسش سنتی است که هسته‌ی اصلی بررسی‌های سیاست خارجی و بین‌الملل‌اند: دولت‌ها چگونه عمل می‌کنند؟ چگونه باید جنبه‌های مختلف سیاست خارجی آنها را تشریح کرد؟ و ویژگی‌های اصلی کنش متقابل میان دولت‌ها کدام‌اند؟¹

1. کالوی جاکوی هالستی، (1376)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص 27.

نظریه‌های مربوط به تصمیم‌گیری، در این مفروض که حکومت یکپارچه عمل می‌کند، تردید کرده‌اند. در عین حال، همین نظریه‌پردازان، این نکته را که حکومت‌ها همیشه بر طبق منافع ملی عمل می‌کنند، به سنجش گذاشته‌اند. بنابراین، مسئله‌ی سطح تحلیل بیش از پیش مطرح شده است. کاربست سطح تحلیل، دست کم، در مسئله‌ی چگونگی و چرایی اخذ تصمیم خاص در وضع ویژه‌ی تاریخی/سیاسی، عبارت است از پذیرش این نکته که تصمیم‌گیری فقط به حکومت و دست‌اندرکاران حکومتی مربوط نیست، بلکه تحت‌الشعاع درون‌مایه‌های فرهنگی جامعه هم هست. هر چند فرد تصمیم‌گیرنده در قالب سیستم عمل می‌کند، ویژگی‌های شخصی و انتظارات سازمانی و قانونی از او نیز بر فرآیند مرتبط با تصمیم گرفته‌شده اثر می‌گذارد. با این وصف، پژوهش‌ها درباره‌ی چرایی و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها، به فرآیندی درازآهنگ و پیچیده مبدل می‌شوند. مدل‌های گوناگون با منظم ساختن داده‌های اولیه، به انجام مطالعه‌های دقیق‌تر کمک می‌کنند.

در هر مدلی، به‌خودی‌خود، این مدعا نهفته است که پژوهش درباره‌ی واقعیت‌ها، سخت و پیچیده است. بنابراین، باید با زاویه‌ی ویژه‌ی روش‌شناسانه به رخداد‌های تاریخی که اکنون بسیاری از آنها درون اسناد، پوشیده‌شده و مضمراوند نگاه کرد. این نگرش، قصد تبیین ندارد و نمی‌خواهد به چرایی‌ها پاسخ دهد، اما در عمل، با توصیف و تشریح دقیق داده‌ها در ساختاری نظری، راه را برای تبیین‌های مبتنی بر چرایی تسهیل می‌کند. حال، چگونه می‌توان پیش‌مدلی نظری برای پژوهش در اسناد تاریخی طراحی کرد که در آن، نشان داده شود چگونه می‌توان رویدادهای اکنون تاریخی‌شده را سنجید و از درون پیچیدگی‌های تحلیل، نوعی ساده‌سازی را استخراج کرد؟

شش) کاربست مدل دومتغیره برای خوانش دوباره‌ی اسناد تاریخی

در فرآیند پژوهش تاریخی، باید اسناد را به سخن گفتن واداشت؛ زیرا، آنها به خودی‌خود صامت‌اند. تصمیم، بن‌مایه‌ی کوشش‌های تاریخی/سیاسی و عالی‌ترین فعالیت یک زمامدار به منزله‌ی تاریخ‌ساز است. به پروسه‌ی تصمیم، از دو سو می‌توان نگرست: یک‌بار، می‌توان به «نقش فرد» در ساختار تصمیم‌گیری اشاره کرد؛ و دگر بار، می‌توان «ساختار تصمیم‌گیری» را مطالعه کرد. اولی را نقش و دومی را ساختار می‌نامیم. نقش، به پنج عامل جایگاه، اختیارات، نفوذ، مشی و مهارت فردی، و ساختار نیز به پنج عامل مقامات سیاستگذار، مقنن، مجری، نفوذگذار و نخبه‌منفک می‌شوند.

الف) نقش

جایگاه فردی، مقام و منصبی است که نظام تصمیم‌گیری در اختیار فرد قرار می‌دهد و تعیین محل دقیق موقعیت فرد در نظام اداری یا موقعیت فرد نسبت به مقام‌های فرادست و فرودست یا تعیین مرتبت منزلتی در نظام دیوانی به‌شمار می‌آید که از طریق دقت در ساخت سلسله‌مراتبی و با تکیه بر کنش‌ها و واکنش‌های میان فرد صاحب جایگاه با هم‌رتبه‌ها، پایین‌رتبه‌ها و بالاتر‌رتبه‌ها شناسایی می‌شود. اختیارات فردی، قدرت و ابتکار عملی است که شخص بالادست به پایین‌تر از خود می‌دهد یا سیستم بر اساس جایگاهی که فرد در ساخت سلسله‌مراتبی کسب کرده است، آن را در اختیار او می‌گذارد. اختیار با توجه به پنج نوع منبع قدرت به دیگران تفویض می‌شود: قانون، مرجعیت، تخصص، پاداش/تنبیه، و وجهی فرهمندانه. نفوذ فردی، ایجاد احساس مثبت در دیگران برای اطاعت و فرمان‌پذیری از فرد صادرکننده فرمان یا همکاری صمیمانه با او است. نفوذ فردی شکلی از قدرت و متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله است. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی است که فرد به کمک آنها دیگران را به انجام رفتاری وادار می‌کند که خواست اوست و نه خواست خود آنها. مشی فردی، شیوهی اجرای امور تعیین‌شده و مصوب است؛ و به این معناست که پس از اتخاذ تصمیم، باید دقت کرد که در سه حوزهی اجرا، پی‌گیری و پیامد، مقامات گوناگون در ساختار سلسله‌مراتبی قدرت چگونه عمل می‌کنند؟ باید دید آنها چگونه زمینه‌چینی می‌کنند تا دیگران مجاب شوند که تصمیم گرفته‌شده، باید اجرا یا کنار گذاشته شود؟ مهارت فردی، تسلط بر ساخت سه‌گانه‌ی تصمیم، اجرا و پی‌گیری، و پیامد است، و نیز، به زبردستی و زیرکی در پیاده‌سازی تصمیم‌های اخذشده با بهره‌گیری از کمترین هزینه‌ها و کسب بیشترین منافع گفته می‌شود که از طریق به‌کار بستن شیوه‌هایی به‌دست می‌آید که دیگران یا به آنها فکر نکرده یا به درستی از آنها بهره ننگرفته‌اند.

ب) ساختار

مقامات سیاستگذار، به سیاستگذارانی گفته می‌شود که تعیین‌کنندگان خط‌مشی‌های راهبردی هستند. آنها افرادی هستند که در تعیین سیاست‌ها سهم‌اند و نقش مؤثر دارند. استراتژیست‌ها جهت‌دهنده‌ی سیاست‌های عمومی و خط‌مشی‌های راهبردی اداره‌ی کشور

هستند. مقامات مقنن، کسانی‌اند که قانون را برقرار می‌نمایند و آیین می‌نهند و در چارچوب سیاست کلی قاعده می‌گذارند و تدوین‌کنندگان اراده‌ی سیاستگذاران و چارچوب‌سازان به شکل مکتوب هستند. مقنن به افرادی گفته می‌شود که تعیین‌کنندگان قانون در چارچوب سیاست‌های کلی‌ای هستند که خط‌مشی‌گذاران آنها را ترسیم کرده‌اند. مقامات مجری، مجریان اوامر قانون‌گذاران‌اند و کسانی‌اند که قوانین برگرفته از سیاست‌های کلی و عام را در چارچوب‌های تدوین‌شده و مکتوب و مصوب اجرا می‌کنند. مجریان، نخبگان صاحب صلاحیت در امر اجرا هستند و می‌توانند به تصمیم‌های مأخوذ قدرت اجرایی بدهند یا آن را معطل گذارند. مقامات نفوذ گذار، کسانی‌اند که قادرند با ارعاب، تهدید، تنبیه، پاداش و تطمیع، مانع اجرای یک تصمیم، قانون، و سیاست کلی یا مشوق اجرای یک تصمیم، قانون و سیاست کلی شوند؛ آنها کسانی‌اند که در ساخت سلسله‌مراتبی قدرت، شاید منصب مهم و اختیارات برای اعمال نداشته باشند، ولی نفوذ می‌کنند و این نفوذ را از راه‌های گوناگون به دست آورده‌اند. مقامات نخبه، کسانی‌اند که به دلیل کیفیات بالقوه‌ی ادعایی یا مفروض خویش، از جهت تشخیص و تمایز، موقعیتی برتر در داخل جامعه یا گروه دارند. در ساخت دیوانسالارانه، این عنوان به کسانی اطلاق می‌شود که فاقد مقام‌اند (خلاف نفوذگران که شاید مقام و منصبی هم داشته باشند)، ولی صاحبان مقام در جهت تدوین و تداوم یا امتناع از یک تصمیم، قانون یا سیاست، به کردار و گفتار آنان می‌نگرند.

مدل دوم‌تغییره‌ی نقش و ساختار، بر دو پیش‌فرض استوار شده است: یکی آنکه، تصمیم‌گیری و «تصمیم» بن‌مایه‌ی شناخت تاریخ سیاسی است. زیرا، اگر زمامداران، کارگزاران تاریخ محسوب شوند، هرگونه عمل و کردار آنان سرنوشت‌ساز بوده و بی‌گمان بر «تصمیم» مبتنی بوده است؛ دیگر آنکه، جوهر تصمیم، پیچیده و چندپایه است و بر خیل عوامل و مؤلفه‌ها استوار می‌شود. از یک‌سو، باید به پنج پرسش پاسخ داد: فرد تصمیم‌گیرنده از چه جایگاهی در ساخت هر می تصمیم‌گیری برخوردار بوده است؟ فرد تصمیم‌گیرنده دارای چه حدی از اختیارات در عرصه‌ی تصمیم‌گیری بوده است؟ افزون بر موقعیت و مقام شخصی، فرد تصمیم‌گیرنده از چه میزان نفوذ در عرصه‌ی تصمیم‌گیری برای پیشبرد تصمیم‌های مأخوذ برخوردار بوده است؟ فرد تصمیم‌گیرنده، چگونه با افراد دخیل در عرصه‌ی تصمیم‌گیری - اعم از فرادستان و فرودستان - برای پیشبرد مقاصد خود، مشی

و سلوک می‌کرده است؟ فرد تصمیم‌گیرنده چگونه و با بهره‌گیری از کدام شیوه‌ها، از تجربه‌های پیشینی خود به‌نحو ماهرانه در فهم و پیشبرد کردارهای درونی منظومه‌ی تصمیم‌گیری استفاده می‌کرده است؟ از دیگر سو، می‌بایست به پنج پرسش دیگر که در سطح تحلیل ساختاری مطرح می‌شوند، پاسخ درخور داد: استراتژیست‌ها و راهبردها، گذاران عرصه‌ی تصمیم‌گیری چه کس یا کسانی بوده‌اند؟ واضعان قواعد تصمیم‌گیری در درون ساختار برنامه‌ریزانه چه کس یا کسانی بوده‌اند؟ مجریان اوامر برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران چه کس یا کسانی بوده‌اند؟ نفوذگذاران کاهنده/افزاینده‌ی اثر قوانین و مصوبات در عرصه‌ی برنامه و تصمیم چه کس یا کسانی بوده‌اند؟ نخبگان خارج از عرصه‌ی تصمیم‌گیری که می‌توان آنان را صاحبان نوعی نیرو دانست که می‌توانسته‌اند با گفتار و نوشتار و کردار خود در جهت اخذ، توقف، ممانعت، یا عدم اخذ، پویایی و جلوبرندگی تصمیم‌ها عمل کنند. چه کسانی بوده‌اند؟

فرض اساسی آن است که تاریخ چنان‌آکنده از شواهد متنوع است که برای اقامه‌ی هر دعوی و گرفتن هر نتیجه‌ای، می‌توان مواردی را برگزید. آنچه مورخ را از گردآورنده‌ی واقعیات تاریخی متمایز می‌سازد، نتیجه‌گیری کلی است. در پژوهش‌های تاریخی، کثرت بالقوه‌ی بی‌نظم داده‌ها، دردسرافزین است. برای شناخت تمایز زمان و تاریخ باید اجزاء گوناگون، جداسازی و طبقه‌بندی و با تعیین روابط میان آنها، معنایی به آنها بخشیده شود. پس، از یک سو، زمان با تاریخ متفاوت است؛ زیرا، زمان، توده‌ای انبوه و نامنتظم از داده‌هاست؛ ولی، تاریخ از میان داده‌های گوناگون آشفته، برای بازسازی معنا، نوعی نظم و انتظام می‌خواهد؛ از دیگر سو، برای فهم تاریخ، لازم است چارچوبی ساختاردار را روی چیزی که در غیر این صورت می‌توانست توده‌ای آشفته به‌نظر رسد، تحمیل کنیم.¹

هفت) نمونه‌هایی از اسناد تاریخی

برای نشان دادن اینکه اسناد تاریخی چگونه از رهرو کاربست مدلی دومتغیره‌ی نقش و ساختار، به‌سختی واداشته می‌شوند، چند نمونه از میان بی‌شمار اسناد موجود آورده می‌شود.

1. بورلی سائگیت، (1379)، تاریخ چیست و چرا؟ دورنماهای باستانی مدرن و پست مدرن، ترجمه‌ی رؤیا منجم، تهران، نگاه سبز، صص 30-31.

1. «کاغذ زیادی بود خواندیم. اول کاغذ زیادی از نایب‌السلطنه در شهر داده بود مشیرخلوت آورده بود سپرده بودیم به آقا دایی که ما را خفه کرد. خواندیم. بعد کاغذ زیادی هم امین‌السلطان داشت. آن را هم تمام کردیم. باز پاکت از نایب‌السلطنه و از امین‌السلطان هی دوباره آوردند. آنها را خواندیم.»¹ (نشان‌دهنده‌ی پرکاری پادشاه قاجاری، ارجاع همه‌ی کارها به او، شخصی‌شدن قدرت سیاسی، نبود بوروکراسی، نبود مقامات سیاست‌گذار، و ساختار اقتدارگرایانه و فردی‌شده‌ی قدرت در نظام پادشاهی).

2. «این غلام به اعتقاد خود هرچه عرض است چنان می‌داند خاکپای همایون عرض شود. مثلاً هرچه عرض و داد مردم است فدوی مداخله ندارد رجوع به دیوانخانه است. به کرات عرض کرده و به آنها سپرده که خاکپای همایون عرض نمایند. آنچه روزنامه‌چی شهر همان که نزد من آوردند همان ساعت می‌نویسد حضور همایون بیاورند. کتابچه‌هاست همه به نظر همایون می‌رسانند. حساب گذشته است به دفتر خبر کردم همان که سند خرج‌ها تمام شد و بنای نوشتن مقاصد حساب شد بیاورند حضور عرض نمایند. روزنامه‌چی و اوضاع قشون است خود شاهد مثلاً به کرات به محمودخان و آجودانباشی سپرده‌ام که هرچه می‌شود خاکپای همایون عرض می‌شود. یک فرمانی و برات نیست که بی‌صحه‌ی همایون بگذرد و از ولایات هر کاغذ برسد اکثری نخوانده و باقی خوانده حضور همایون می‌آورند و هر چه جواب نوشته می‌شود حضور همایون می‌رسد اگر پسند فرمودند فرستاده می‌شود. کاغذهایی که از ایلچی‌ها می‌رسد کدام یکی است اصل کاغذ یا جواب به‌نظر نمی‌رسد؟ کارهای ولایتی و دولتی همین است که عرض شد.»² (نشان‌دهنده‌ی واهمه‌ی مقامات عالی‌رتبه‌ی سیاسی و اداری از استبداد شاهی).

3. «واضح است یک نفر آدم اگر افلاطون و اسکندر و ناپلئون باشد به‌تنهایی چه می‌تواند بکند. من با وجودی که چندین مجالس قرار داده‌ام و چندین وزارت‌خانه دارم و به‌قدر اندازه‌ی این زمان جمع‌آوری عقلا و وزراء کرده‌ام هنوز ثلث و ربع خیالاتی که در

1. ناصرالدین‌شاه، (1373)، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان، به‌کوشش

محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، کتاب سوم، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ص 335.

2. حسین مکی، (1360)، زندگی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص 337.

نظم کارها دارم به عمل نیامده و اجرا نشده است. اول کاری که بر شما لازم است فکر نوکر است و کارکن. اما بسیار افسوس دارم که وجود این نوع نوکرها و آدم‌ها حالا مثل سیمرغ و کیمیا شده است و مشکل به دست بیاید. من اوقاتی که در سن شما بودم خیال می‌کردم که به تنهایی همه کارها را می‌توانم بکنم و نظم بدهم و از پیش ببرم و محتاج به وجود نوکر قابل نیستم. اما حالا می‌فهمم که همه خبط بوده است و کارها را نوکر خوب می‌کند با تقویت آقا و صاحبکار.¹ (نشان‌دهنده‌ی بی‌نظمی بوروکراتیک به‌همراه تهی‌بودن دستگاه دیوانی از افراد صاحب‌صلاحیت که منجر به تولیدنشدن مقامات تأثیرگذار در سیستم اداری کشور می‌شود).

4. «چند سال قبل دو رسم قبیحی بود که قدغن کرده بودم مرتکب نشوند. باز می‌شنوم که مرتکب می‌شوند. اولاً در هر گاوی که رعیت می‌آورد جلو برای قربانی، شاطر گاو او را گرفته می‌برد هرچه هم گوسفند می‌آورند فرآش می‌برد. بخصوصه از شاطرباشی التزام گرفته بودم که از رعیت گاو او را نگیرند. دیروز و امروز هرقدر گاو شاطر در مزرعه و آق بابا و بین راه گرفته باشد الان از شاطرباشی گرفته بده چند نفر غلام ببرد به صاحبانش داده قبض بیاورد، البته. و التزام از شاطرباشی الان بگیر بعد از این یکی گاو بگیرند، هزارچوب بخورند.»² (نمودارکننده‌ی ساختار بسیار شخصی‌شده‌ی قدرت اداری و سیاسی است که لازم است در جزیی‌ترین زمینه‌ها هم پادشاه دخالت نماید؛ وانگهی، فساد اجتماعی را نیز می‌نمایاند).

5. «این اوضاعی که برای رفتن فرنگ ما فراهم آمده بود در حقیقت نمی‌توان نوشت از بس از بیرون و اندرون کار سر ما ریخته بود. هر کس را نگاه می‌کردی یک جور عرض داشت. هر گوشه می‌رفتیم یکی عریضه می‌داد یکی عرض می‌کرد یکی چرند می‌گفت یکی انعام می‌خواست، دیگر آدم ذله می‌شد. روزی سه هزار کاغذ و برات و فرمان صحه می‌گذاشتیم. صبح برخاستیم رخت پوشیده رفتیم بیرون دیدم محشر کبری است. عمل‌های

1. ایرج افشار، (1349)، «سه دست‌خط مهم از ناصرالدین‌شاه»، در: سواد و بیاض، ج دوم، تهران، دهخدا، صص 362-363.

2. فرهنگ ایران‌زمین (1365)، ج 25، صص 136-140.

خلوت و هر کس را که می‌خواستی بودند. وزیر خارجه را خواسته بودیم از شهر آمده بود با او خیلی کار داشتیم فرمایشات شد. او رفت نایب‌السلطنه از شهر آمد با یک خروار کاغذ. او رفت امین‌السلطنه آمد با یک خروار کاغذ. جواب‌های او را هم نشستیم دادیم بعد امین‌السلطان و امین‌الملک از شهر آمدند آنها هم یک خروار کاغذ داشتند خواندیم و جواب دادیم.¹ (نشان‌دهنده‌ی نبود انفکاک ساختاری در تاریخ قاجاری و همه‌کارگی شاه و هیچ‌کارگی دیگر صاحب‌منصبان).

6. «جواب کاغذهای عباس‌قلی‌خان و سام‌خان را امروز میرزا سعید حاضر نمود از نظر اقدس‌اعلی می‌گذرد. نوشتجات خراسان در جوف عریضه حضور همایون فرستادم. کاغذهای شیخ‌علی‌خان سرهنگ را فرستادم با کاغذهای شفیع‌خان که به نظر همایون برسد. پاره‌ای نوشتجات از خراسان رسیده بود، فرستادم. دیگر مسوده حدود تمام بود فرستادم که ملاحظه فرموده زودتر مرحمت نمایند که بدهد نوشته تا شام ببرند. این مرد یعنی به اصلاح صدرالممالک تا در قم هستند آنی مفسدین این‌جا دست از او و او دست از آنها نخواهد کشید. چنان‌چه حالا سه کاغذ از قم رسیده بود، فرستادم به نظر مبارک برسد ببینم حکم محکم قبله‌ی عالم روحنا فداه در حق او چیست؟»² (همه منتظر پادشاه‌اند و بدون حکم و فرمان او حتی در امور ریز و جزئی، کاری پیش نمی‌رود؛ نمودی از ساختار پاتریمونیال افراطی).

7. «چهار ساعت به غروب مانده وارد نظامیه شدم و فوراً درصدد انجام فرمایشات همایونی برآمدم، قرار نرخ نان سنگک را بر حسب میل و اراده‌ی ملوکانه از قرار منی ده‌شاهی قرار دادم، تلغراف حاجی‌محسن‌خان را به‌طوری که فرمایش خسروانه بود فرستادم، ناصرالملک و امیرتوپ‌خانه و حاجی‌سعدالدوله و سایر رؤسای قشونی را اخبار کرده‌ام که فردا شب در نظامیه حاضر شوند تا قرار اردوهای تهران و خراسان و عدد افواج آنها را معین کرده به عرض خاکپای مبارک برسانم. تلغرافی از مؤیدالدوله در باب تعیین

1. روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگستان، کتاب یک، صفحات 33 و 35.

2. سیدعلی آل‌داود (به‌کوشش، تصحیح و تدوین)، (1371)، نامه‌های امیرکبیر به انضمام رساله نوادرالامیر، تهران، نشر تاریخ ایران، صفحات 72-73 و 112-113 و 129.

حاکم زهاب و غیره رسیده بود تقدیم حضور مبارک نمودم و جوابی مطابق اوامر شفاهی‌های شاهنشاهی روحانفاده نوشتم.¹ (شاه در نظام شخصی‌شده‌ی قدرت، مجبور می‌شود حاجب‌الدوله بخواهد و پیرورد و نه سیاست‌گزاران مستقل و کارآمد.)

8. «صریح می‌نویسم که برّه و جوجه و یونجه و کاه نباید از رعیت بیچاره مطالبه کنید. به‌خدا قسم شنیدم مطالبه شود از تو (سردار کل) مؤاخذه می‌کنم، اگر هر چیزی از رعیت می‌گیری با پول بخرند.»² (از بوروکراسی نمی‌توان انتظار داشت؛ دستگاه دیوانی فاسد است و باز هم در نظام پاتریمونیال، شاه باید تصمیم بگیرد و خود مواظبت نماید که پس از اخذ تصمیم چه رخ می‌دهد. هم مجریه است، هم مقننه، و هم قوه‌ی قضائیه.)

9. «جناب‌اشرف صدراعظم عریضه‌های شبانه‌ی شما واقعاً ما را متأثر و دل‌سردتر از همه چیز می‌کند. روزها که به حضور می‌رسید و فرمایشات ما را می‌شنوید همه را بله‌قربان اطاعت می‌شود، می‌گویید و ما خیال می‌کنیم کارها درست شده، شب‌ها که به اندرون می‌آییم عریضه شما را می‌دهند که سرتاسر خلاف مطالبی است که ما فرموده‌ایم. حسام‌السلطنه در نزدیکی هرات منتظر کمک ما می‌باشد. شهر تاریخی هرات محاصره شده و ایرانیانی که در شهر سکنی دارند از داخل کمک می‌کنند. و ما به شما امر می‌فرماییم سرباز و پول بفرستید شما می‌نویسید اردو مخارج و سرباز و مهمات لازم دارد و جنگیدن با دولت بزرگی مثل انگلستان صلاح نیست. مگر ما نمی‌دانیم اردو پول و مهمات می‌خواهد پس دولت سرباز و مالیات از مردم برای چه روزی می‌گیرد؟ این مهمات که از قدیم بود و در زمان امیر تدارک شده در کجا مصرف شده است؟ روزی که پدر تاجدار ما مرحوم و ما دیناری در تبریز نداشتیم و مرکزیت در مملکت نبود شخص امیر که خدایش رحمت کند ما

1. محمدرضا عباسی (به کوشش)، (1372)، حکومت سایه‌ها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، صفحات 55-56 و 259؛ ناصرالدین‌شاه، (1377)، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر اول فرنگستان، به‌کوشش فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ص 13؛ علی‌اصغر شمیم، (1372)، ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، تهران، علمی، صفحات 323 و 327.

2. منصوره اتحادیه، (1356)، «ناصرالدین‌شاه و امور آذربایجان: 1278-1310 هجری قمری»، در: محمدرسول دریاگشت (به‌کوشش)، مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج سوم، تهران، دانشگاه ملی ایران، صفحات 456-457 و 459.

را برداشت و به تهران که رسیدیم نصف کارها را در راه تمام کرده و مرکزیت به پایتخت داد و مرتباً مخارج دولت را هر ماه می‌داد و مبلغی هم در خزانه برای روز مبادا پس‌انداز داشت. آن اصلاحات چه شد؟ پول ما کجا رفت؟ ما با انگلیسی‌ها جنگی نداریم اما راضی هم نمی‌شویم هر روز خرده‌فرمایش گوش گیریم و قسمتی از مملکت را جدا سازیم. چرا در زمان صدارت امیر این توقعات را نداشتند و این توپ و تشرها را نمی‌زدند. وقتی سفیر آنها شرفیاب می‌شد به زانو در مقابل ما خم می‌شد، البته وقتی آنها ببینند صدراعظم شاه خودش را می‌ترساند تا اصفهان را هم می‌خواهند و دیگر مردم ایران شاه و صدراعظم لازم ندارند. اکیداً می‌نویسیم گوش ما را خسته نسازید. ما حاضریم جواهرات سلطنتی را که برای چنین روزها ذخیره شده بفروشیم و شخص خودمان به هرات رفته در اردوی سردار خودمان حسام‌السلطنه سربازی کنیم. اگر می‌توانید بمانید و خدمت کنید و آلا والسلام.¹ (شاه دلتنگ امیرکبیر می‌داند که در نبود نظم و انتظام، این خود اوست که باید در تمام زمینه‌ها به درون نظام شاهی سرک بکشد و دستور صادر کند.)

10. «هر روز از حال شهر چرا خبردار نمی‌شوید که چه واقع می‌شود و بعد از استحضار چه حکم می‌فرمایند؟ از در خانه و مردم و اوضاع ولایات چه خبر می‌شود و چه حکم می‌فرمایند؟ قورخانه و تویی که بایست به استرآباد برود، رفت یا نه؟»² (بی‌انتظام بودن دستگاه دیوانی و نبود نظم و نسق در برقراری امنیت جامعه و نشستن فرد به جای نظام.)

11. «کاغذهایی هم تازه از خراسان رسیده بود فرستادم به نظر مبارک برسد. مستدعی است که اگر حالت وجود همایون مقتضی شود در میان کالسکه ملاحظه فرموده مسترد دارند که زود به میرزاسعید برسد.»³ (نمودی است از انتظام‌بخشی امور به دست امیرکبیر و شیوه‌ی سلوک تکرارنشده‌ی او در سراسر قاجار.)

1. حسن مرسلوند، (1373)، «غروب امیر»، گنجینه اسناد، سال 4، دفتر 4، شماره پیاپی 16، زمستان 1373، ص 62.

2. نامه‌های امیرکبیر به انضمام رساله‌ی نوادرالامیر، ص 105.

3. همان، ص 89.

12. «اگر در اندرون کاری ندارند استدعا دارم به قدر ده دقیقه بیرون تشریف آورند، اگر قرق هم باشد ان شاء الله احضار خواهد فرمود.»¹ (نمودار پُرکاری امیرکبیر).
13. «ترکیب غریبی شنیدم که می‌خواهید از این دروازه شهر بروید و از دروازه‌ی دیگر بیرون آید. راستش حرکت درستی نیست.»² (نمودی است از سلوک امیرکبیر با پادشاه و تربیت شاه جوان برای زمامداری).
14. «اما امروز تا دو ساعت به غروب مانده در حساب طهران به خدا زحمت سگ کشیدم، به نمک سرکار همایون که اگر حال و خیال داشته باشم از بس که خسته و کسل هستم، این غلام را احضار فرموده بودند به دو جهت شرفیاب نمی‌شود. سرم به شدت درد می‌کند شب را تا نزدیک صبح نخوابیده و حالا در خانه مشغول نوکری قبله‌ی عالم روحنا فداه هستیم.»³ (نمودی است از سلوک اعجاب آور امیرکبیر با پادشاه و تربیت شاه جوان برای زمامداری).
15. «قربان خاکپای همایون شوم. دیشب بنده‌ی کمترین هم از میرزا محمدعلی خان شنیدم که جناب وزیرمختار دولت بهیبه‌ی روس امروز شرفیاب حضور همایون خواهند شد. اما نفهمیدم که مطلب دارد یا دیدن محض است. اما استدعا دارد اگر دیدن است امیدوار است چنان مکالمه نمایند فرمایند که اگر بعد از انتها مطلبی در جواب و سؤال لازم شود و فدوی بگوید که حکم همایون است باور نماید. و اگر مطلب عرض نماید امیدوار است که چنان جواب‌های حساب درست در عین آرامی و ملایمت بفرمایند که بسیار مستحسن شود.»⁴ (نمودی است از سلوک امیرکبیر با پادشاه و تربیت شاه جوان برای زمامداری، به همراه بهره‌گیری از مهارت فردی در راه کارسازتر نمودن اختیارات فردی).
16. «کارگزار خارجه، حقیقت این است من شما را با کفایت و درایت می‌دانستم، اما تلگرافی در باب سربازها دیروز به شما کردم جوابش آن بود که شما نوشته بودید که من با لباس نیمه‌رسمی رفتم آنها را آوردم. شما کدام لباس نیمه‌رسمی را دارید؟ من منظورم اطلاع صحیح است که جهت حرکت این سربازها چه بوده، از کی شکایت داشتند، به آنجا

1. همان، صص 78-79.

2. همان، ص 69.

3. همان، صفحات 87، 121 و 171.

4. همان، صص 155-156.

چه شده که رفته‌اند. محرک خارجی داشته‌اند. شما آن‌طور جواب می‌دهید. تلگراف مرا درست بخوان بالا طرف جواب بده.»¹ (نمودی است از پیوند ناکارآمد میان مقامات تصمیم‌گیر و مقامات مجری در نظام آشفته‌ی قاجاری).

17. «به‌خدا به‌خدا به ولای مرتضی‌علی که تا جان دارم ذره‌ای از نوکری و رضای شما دست برندارم. به‌خدا من نمی‌دانم کی بد کرده تا به مقام سؤال یا اذیت برآیم. این حرف‌ها را برای آن عرض می‌نمایند که شما را به سر غیرت بیاورند تا کار خراب شود و آلا من ان‌شالله در نوکری طوری راه نمی‌روم که خدانکرده خدانکرده برای شما در دنیا خفت حاصل شود.»² (نمودی است از سلوک مقامات تصمیم‌گیر و مقنن در هنگامه‌ی واهمه از سخن‌چینی دیگر مقامات اداری در نزد پادشاه در یک نظام متکی بر اراده‌ی شخصی پادشاه).

18. «تلگراف ملک‌خان را خواندم، بسیار بسیار مایه‌ی خورسندی شد، خیلی خیلی تمجید از کاردانی او بکنید. میرزا ملک‌خان را خواسته بودم آمد. تفنگ خیلی خوبی اختراع جدید ینگ دنیا را که تازه درست کرده‌اند پیشکش آورده بود. خیلی هم حرف می‌زد. ولی من از شدت دردمر هیچ نمی‌فهمیدم که چه عرض می‌کرد. نه او فهمید چه عرض کرد و نه من فهمیدم چه گفتم.»³ (نمودی از نخستین نشانه‌های پیدایش عنصر گم‌شده در نظام سیاسی ایران، یعنی، مقام سیاست‌گذار برنامه‌دار آینده‌بین).

19. «از فرنگستان صد کروور پول بگیرید. از دول فرنگستان صد معلّم و محاسب و صاحب‌منصب و اکونومیست و ادمنیستراتور بخواهید. این صد نفر معلّم و صاحب‌منصب را در تحت ده نفر وزیر ایرانی مأمور نمایند که وزارت‌خانه‌ها و کلّ شقوق اداره‌ی دولت را موافق علوم این عهد نظم بدهند. از ممالک فرنگستان بیست کمپانی بزرگ به ایران دعوت نمایند و به آنها امتیازات بدهید که صد کروور دیگر به ایران بیاورند و مشغول شوند به آن احداثات معظم که در زبان فارسی اسم هم ندارند. به راهنمایی این اکونومیست‌ها و به

1. حکومت سایه‌ها، صص 387-388.

2. نامه‌های امیرکبیر...، صص 179-180.

3. واحد نشر اسناد وزارت امور خارجه (گردآورنده)، (1369)، گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجاریه، ج دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص 471.

توسط این کمپانی‌ها راه‌آهن‌های ایران را از چندین جا شروع کنید. در هر یک از ممالک ایران بانک‌های تجاری و بانک‌های ملکی و بانک‌های زراعت بسازید. معادن و آب‌ها و جنگل‌های ایران را موافق همان اصول که در جمیع دول معمول است به‌کار بیندازید.¹ (نمودی است از نخستین نشانه‌های پیدایش عنصر گم‌شده در نظام سیاسی ایران، یعنی، مقام سیاست‌گذار برنامه‌دار آینده‌بین.)

20. «ممکن نیست ناصرالملک شریک اعتقاد این قوم گوساله‌پرست باشد. این تلغراف انیس‌الدوله است که خودش رفته و جمع سرکرده‌ها را هم با خود برده است. میرشکار آمد و گفت حاجی سعدالدوله می‌گوید اگر شاه صدراعظم را در آستین خود بخواهد حفظ نماید من با انگشت‌هایم چشم‌های او را درمی‌آورم. خدا می‌داند که من عجالتاً از حالت خود تشکر دارم. آسوده نشسته‌ام و در خارج تماشا می‌کنم و رفع خستگی می‌نمایم. اگر هیچ‌کس نداند شما خوب اطلاع دارید که من خیال مراجعت از فرنگستان نداشتم. درباره‌ی من خوب کردند و مرا آسوده کردند. لیکن خیر نبینند که ملت را در انظار اروپا ضایع و رسوا و خارج از استعداد مدنیّت قلم دادند و ثمر سفر به این خوبی را به هدر دادند. من همه‌ی آنها را قلباً عفو نمودم.»² (نشان‌دهنده‌ی سلوک مقامات تصمیم‌گیر و مقتن و مجری و منتفذ در هنگامه‌ی آشفتگی و واهمه از سخن‌چینی دیگر مقامات اداری در نزد پادشاه در یک نظام متکی بر اراده‌ی شخصی پادشاه.)

نتیجه‌گیری

تصمیم، جریان اصلی زندگی تاریخی/سیاسی است. تصمیم‌ها را کسانی و در محیطی می‌گیرند. گاهی از زاویه‌ی نقش، و گاهی از منظر ساختار، به شکل و ماهیت تصمیم توجه می‌شود. واقعه یک چیز است، سندهایی که در حول و حوش همان واقعه پدیدار شده است، چیز دیگر. پژوهشگر تاریخ، برای فهم واقعه، نیازمند به‌سخن واداشتن اسناد رخداد است؛ این کار نیازمند نقشه و طرح‌واره‌ای پیشینی است. نگارنده گمان می‌کند توانسته باشد نشان دهد با کاربری مدل دومتغیره‌ی نقش/ساختار، می‌توان اسناد صامت را به‌سخن واداشت و تاریخ را بهتر درک کرد.

1. حجّت‌الله اصیل، (1376)، زندگی و اندیشه میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله، تهران، نشرنی، ص 100.

2. حکومت سایه‌ها، ص 91.

منابع و مأخذ

- آل داود، سیدعلی (به‌کوشش، تصحیح و تدوین)، (1371)، نامه‌های امیرکبیر به انضمام رساله‌ی نوادرالامیر، تهران، نشر تاریخ ایران.
- ابراهیم‌زاده، حسن، (1381)، «سند و تحلیل»، در: مجموعه‌ی مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج سوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، صص 25-33.
- اتحادیه، منصوره، (1356)، «ناصرالدین‌شاه و امور آذربایجان: 1278-1310 هجری قمری»، در: محمدرسول دریاگشت (به‌کوشش)، مجموعه‌ی سخنرانی‌های هفتمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، ج سوم، تهران، دانشگاه ملی ایران، صص 451-464.
- استربرگ، کریستین، (1384)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی احمد پوراحمد و علی شمّاعی، یزد، دانشگاه یزد.
- استفورد، مایکل، (1382)، درآمدی بر فلسفه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی، تهران، نشر نی.
- اصیل، حجّت‌الله، (1376)، زندگی و اندیشه‌ی میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله، تهران، نشر نی.
- افشار، ایرج، (1349)، «سه دستخط مهم از ناصرالدین‌شاه»، در: سواد و بیاض، ج دوم، تهران، دهخدا، صص 361-368.
- اکبری، علی‌اکبر، (1381)، «اهمیت اسناد در تاریخ‌نگاری معاصر»، در: مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، صص 223-226.
- بست، جان، (1381) روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه‌ی حسن پاشاشریفی و نرگس طالقانی، تهران، رشد.
- بلیکی، نورمن، (1387)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
- بیکر، ترز، (1386)، نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی.
- تاجبخش، احمد، (1376)، تاریخ و تاریخ‌نگاری، شیراز، نوید شیراز.
- توین‌بی، آرنولد، (1370)، مورخ و تاریخ، ترجمه‌ی حسن کامشاد، تهران، خوارزمی.
- ثواقب، جهانبخش، (1385)، روش تحقیق با تأکید بر تاریخ، شیراز، نوید شیراز.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (1384)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سازمان سمت.
- حسن‌زاده، رمضان، (1387)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، ساوالان.
- خانمحمدی، علی‌اکبر، (1372)، «روش کار با اسناد خطی»، گنجینه‌ی اسناد، سال 3، دفتر اول، بهار 1372، صص 86-97.
- خوشوقت، محمدحسین، (1375)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- دلاور، علی، (1385)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ویراست چهارم، تهران، ویرایش.
- دوورژه، موریس، (1375)، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه‌ی خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر.

- دیّانی، محمدحسین، (1367)، «نکات اساسی در تحقیقات تاریخی»، مطالعات تاریخی، سال اول، شماره 2، شماره 2، تابستان 1368، صص 159-168.
- رئیس‌السادات، سیدحسین، (1379)، «معرفت تاریخی»، پژوهش‌های تاریخی، سال 3، شماره‌های 5-8، بهار و زمستان 1379، صص 199-208.
- زرّین‌کوب، عبدالحسین، (1370)، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر.
- سائگیت، بورلی، (1379)، تاریخ چیست و چرا؟ دورنماهای باستانی، مدرن و پست‌مدرن، ترجمه‌ی رؤیا منجم، تهران، نگاه سبز.
- ساروخانی، باقر، (1385)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول (اصول و مبانی)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، (1386)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج دوم (بینش‌ها و فنون)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سنجابی، علیرضا، (1384)، روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل، تهران، قومس.
- سیف‌زاده، سیدحسین، (1376)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- شمیم، علی‌اصغر، (1372)، ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، تهران، علمی.
- شیخ‌الاسلامی، جواد، (1369)، «شیوه‌ی کاربرد اسناد و مدارک در پژوهش‌های سیاسی و تاریخی»، در: شیخ‌الاسلامی، جواد، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، تهران، کیهان.
- عباسی، محمدرضا (به‌کوشش)، (1372)، حکومت سایه‌ها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- عقیلی، نورالله، (1381)، «اهمیت و چگونگی طبقه‌بندی و جرح و تعدیل در اسناد تاریخی»، در: مجموعه‌ی مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، صص 101-109.
- فرهنگی، علی‌اکبر و صفرزاده، حسین، (1387)، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران، پیام بویا.
- فدایی عراقی، غلام‌رضا، (1377)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، تهران، سازمان سمت.
- فرهنگ ایران‌زمین، (1365)، ج 25، صص 136-140.
- فلیک، اووه، (1387)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- قائم‌مقامی، جهان‌گیر، (1350)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی.
- کازبی، پل، (1386)، پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه‌ی حجّت‌الله فراهانی و حمیدرضا عریضی، تهران، نشر روان.
- کاظمی، محسن، (1381)، «کارکرد اسناد در واقعه‌نگاری تاریخی»، در: مجموعه‌ی مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج دوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، صص 213-223.
- کالینگوود، رابین جورج، (1385)، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه‌ی علی‌اکبر مهدیان، تهران، اختران.